بسم الله الرحمن الرحيم

# مقدمه

در جلسات گذشته مباحث فقه التربیة را به دو بخش كلي تقسيم كرديم كه بخش اول مباحث تعليم و تعلم و علوم و دانش ها بود و بخش دوم تربيت به معناي خاص در مقابل تعليم بود كه در اين بخش از مباحث تا تربيت خانوادگي بيان شد و فعلاً بحث ما در تربيت خانوادگي است يعني رسالت و مسئوليتي كه در امر تربيت در مقابل تعليم و تعلم بر دوش خانواده است.

#  تربيت جسمي و مادي فرزندان

 بحثي كه می‌خواهیم شروع كنيم در حقيقت بحث تربيت جسمي و مادي فرزندان يعني رسيدگي‌ها و سرپرستي نسبت به رشد جسماني و نيازهاي طبيعي و مادي فرزندان است .

در اين قلمرو می‌خواهیم ببينيم چه مسئولیت‌هایی در حوزه خانواده وجود دارد؟ يعني مسئوليت خانواده در قبال رشد جسمي و تأمین نيازهاي مادي فرزندان اعم از بحث هاي تغذیه‌ای و پوشاك و ... چيست ؟

در اين بحث، اصل اينكه اين مسئوليت بر دوش پدر و مادر نهاده شده و بايد اين نيازها را تهيه كنند و نسبت به كودكان و بچه‌هایی كه در شرايطي نيستند تا بتوانند متكفل امور خودشان باشند ، اسلام مسئوليتي الزامي و در حدودي ترجيحي بر دوش خانواده گذاشته است و فی‌الجمله از امور مسلم خانواده است و ليكن اين بحث در فقه جايگاه مهم و برجسته‌ای دارد كه به عناوين آن اشاره می‌کنیم:

چند عنوان مهم در فقه ما است كه به اين بحث ربط دارد و هر كدام از اين عناوين كه در فقه داراي بحث‌های مفصلي است. كليات بحث را مطرح می‌کنیم و تفاصيل آن را به جاهايي كه در فقه بحث شده احاله می‌دهیم و درباره مابقی مواردي كه بحث نشده است به همه زواياي آن خواهيم پرداخت.

عناوين مهمي كه در اين بحث وجود دارد حداقل سه عنوان مهم است :

 **الف**. رضاع يعني شير دادن **ب**. حضانت يعني سرپرستي امور کودک  **ج**. نفقه

## خانواده و مسئوليت خانواده در قرآن

اين سه واژه محور و عناوين كليدي در فقه ما هستند كه با بحث ما مرتبط‌اند و در قرآن آياتي كه به اين بحث ربط دارند چند آيه است كه بحث خواهيم كرد.در قرآن همان آيات قبل كه در بحث هاي خانواده و مسئوليت خانواده بحث كرديم، در اين بحث نيز مطرح است.

### بيان رضاع در آيه 233 سوره بقره

يكي از آيات ، آيه **233 سوره بقره** است كه مفصل درباره آن صحبت شده و از آن در مورد رضاع نيز استفاده خواهيم كرد. اين آیه‌ای است كه به اين مسئوليت اشاره دارد كه شامل بحث رضاع و بحث هاي تربيتي، جسمي و تأمین نيازهاي مادي هم می‌شود.

**«وَ الْوالِداتُ يُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كامِلَيْنِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلاَّ وُسْعَها لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِه‏»**بقره/233.

اين جمله كه **لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِه** آیه‌ای است كه به طور مفصل بحث كرديم اما در اين آيه دو احتمال است يكي اينكه **والِدَةٌ و مَولوُدٌ** فاعل **لا تُضارّ** باشند يعني ضرر نرساند مادر به فرزندش و پدر به فرزندش و يكي اينكه **تُضارّ** فعل معلوم است و **والِدَةٌ و مَولوُدٌ** فاعل آن است و كودك مفعول آن می‌شود و احتمال ديگر اين بود كه **لا تُضارّ** مجهول باشد يعني به خاطر كودك به مادر ضرر رسانده نشود و زن و شوهر به خاطر كودك همديگر را آزار ندهند كه بنا بر احتمال دوم اين آيه بيشتر مربوط می‌شود به روابط بين زن و شوهر يعني به خاطر رعايت كودك نبايد زن و شوهر حقوق همديگر را زير پا بگذارند. مثلاً به خاطر بچه تمكين نكنند. بنا بر احتمال اول پدر و مادر نبايد به كودك ضرر برسانند يعني بنا بر دلالت التزامي بايد پدر و مادر رسیدگی‌هایی كنند كه كودك متضرر نشود يعني هر چه كه موجب ضرر و زيان كودك در جسم و تغذيه و شرايط جسمي و روحي می‌شود حرام است و بايد كاري كنند كه به كودك آسيب نرسد و نيازهاي جسمي و مادي او را تأمین كنند.

### بيان رضاع در آيه 6 سوره طلاق

آيه ديگر آيه **6 سوره طلاق** است كه قبلاً مفصل بحث شده است. محور سوره طلاق بيشتر نساء مطلقه است.

**«أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَ لا تُضآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَ إِنْ كُنَّ أُولاتِ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَ إِنْ تَعاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرى‏»طلاق/6‏ (**هر جا كه خود سكونت گزينيد آنها را نيز به قدر توانايى خود مسكن دهيد. و تا بر آنها تنگ گيريد ميازاريدشان. و اگر آبستن بودند، نفقه‏شان را بدهيد تا وضع حمل كنند. و اگر فرزند شما را شير مى‏دهند، مزدشان را بدهيد و به وجهى نيكو با يكديگر توافق كنيد. و اگر به توافق نرسيديد، از زنى ديگر بخواهيد كه كودك را شير دهد.**)**

اين آيه هم بنا بر بعضي از احتمالات به بحث مرتبط است و آن احتمال اين است كه **وَأتَمِرُوا بَينَكُم بِمَعروف** يعني با يكديگر مشورت و همكاري كنيد تا اينكه كودك با معروف اداره شود و رشد كند حتي كودكي كه طلاق داده شده است.

در **بِمَعروفٍ** مقصود اين است كه **إتمار** به معروف براي رشد كودك است و اين همكاري به معروف هم نه في حد نفسه در روابط زن و شوهر بلكه در ارتباط با فرزند است . اگر اين دو احتمال را قبول داشته باشيم معناي آیه این طور می‌شود كه شما همكاري و همدلي داشته باشيد براي اينكه كودك در احسان و معروف خوب رشد كند البته اين آيه بحث جسمي را هم شامل می‌شود.

### آيه 6 سوره تحريم

 اما آيات ديگر با بحث جسمي زياد مرتبط نيستند مثل آيه **6 سوره تحريم** **«يَأَيهَُّا الَّذِينَ ءَامَنُواْ قُواْ أَنفُسَكمُ‏ْ وَ أَهْلِيكمُ‏ْ نَارًا...»** كه بيشتر ناظر به ابعاد روحي و معنوي و اخلاقي است نه بعد جسمي و... مگر اينكه رشد جسمي مقدمه‌اي براي حفظ شخص از گناه و معصيت باشد.

 بنابراين در آيات قرآن اين سه آيه خيلي مهم است:

**الف**. آيه مضاره 233 بقره؛

**ب**. آيه اعتمار 6 طلاق؛

**ج**.آيه وقايه 6 تحريم.

هر كدام از اين ها بنا بر احتمالي با بحث ارتباط دارند كه آيه اول و دوم بنا بر وجوه تفصيلي و احتمالي كاملاً ارتباط دارند و آيه سوم در بعضي موارد می‌تواند با رسيدگي‌هاي جسمي ارتباط پيدا كند. گذشته از اين آيات، ما قواعد عامه‌ای داريم كه در فضاي خانواده مصداق پيدا می‌کنند و فقط در خصوص فضاي خانواده نيستند. البته اصل، حرمت اضرار به ديگري است كه ضرر رساندن به موجود ديگر جایز نيست كه يكي از اين اضرارها در خانه براي پدر و مادر است.

# مباحث مربوط به خانواده در فقه

اما به طور خاص در فقه چه موضوعاتي بررسي می‌شوند؟ در فقه يكي رضاع يعني شير دادن است كه در حد اصل قضيه بحثي خواهيم داشت و تفاصيل آن را در كتاب نكاح مطالعه خواهيد كرد.كتاب موسوعة الاحكام الاطفال و ادلتها كه سه بحث گفته‌شده در آن آمده است و همه آنها هم در كتاب نكاح آمده كه از صفحه 229 شروع می‌شود و تا اواخر كتاب ادامه دارد.

## رضاع و وظيفه والدين نسبت به آن

اولين بحث در تربيت جسمي و توجه به ابعاد تأمین نيازهاي طبيعي اطفال همان بحث رضاع است كه چند نكته است:

### وظيفه پدر و مادر در شير دادن

يك نكته اينكه در شير دادن وظيفه پدر و مادر چيست ؟ وظيفه مادر همان است كه در آيه 233 سوره بقره آمده كه جمله خبريه‌اي در مقام انشاء است كه خوب است كودكان را دو سال شير دهند و ...

**امر رضاع نسبت به مادر مستحب مؤكد است**

در مورد مادر آن چه كه از ادله اثبات شده است در حد استحباب مؤكد است و در وجوب شير دادن استفاده نمی‌شود. چه در اين آيه و چه در رواياتي كه در بحث رضاع است از جمله خود اين آيه است كه بيش از استحباب را نمی‌رساند ولو اين كه جمله خبريه در مقام انشاء ظهور در امر پيدا می‌کند و اگر قرینه‌ای نباشد ظهور در وجوب پيدا می‌کند يعني جمله خبريه‌اي در مقام انشاء آكد در وجوب است و این‌طور نيست كه از آن حكم الزامي استفاده شود. در كتاب نكاح در صفحه 229 به اين حكم اشاره می‌کند كه در فقه شيعه رضاع مادر نسبت به فرزند اجماع است كه واجب نيست بلكه مستحب است. اما در فقه عامه مثل مالكي و ... اختلاف است و بعضي می‌گویند واجب است و بعضي می‌گویند مستحب است و ادله‌ای را ذكر کرده‌اند.

بعد می‌گوید يُستفادُ من ظاهر الطلب به قولي **وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَينْ‏ِ كاَمِلَينْ‏ِ اَنَّ الرِّضاع واجِبٌ عَلَي قوُم** می‌گوید اين آيه جمله خبريه‌اي در مقام انشاء است كه نه تنها دلالت بر وجوب می‌کند بلكه آكد در دلالت بر وجوب است و جوابي كه داده اين است كه **ما وَرَّ مِنَ** **الاَدِلَّه يُصرَفْ ظاهِرُالطَّلَبْ المُصطَفي مِنَ الآيَه عَلَي الاِستِحباب جَمعً بَينَ الاَدِلَه** كه می‌گوید اگر ادله قبلي را ببينيد و با اين جمع كنيد باز حمل بر استحباب مي‌كنيد. نكته اصلي اين است كه قبل از اين كه ادله‌ای در كار باشد خود اين آيه دلالت بر وجوب نمی‌کند چون در آيه دو قرينه وجود كه دلالت بر وجوب نمی‌کند. اول اينكه در آيه شير دادن مطلق نيامده بلكه شير دادن حولين آمده يعني هيچ كس قائل به واجب بودن و شير دادن حولين كاملين نيست اين خلاف اجماع و ارتكاز متشرع است اگر اين‌چنين بود بايد شير دادن كامل خيلي وقت قبل جا افتاده باشد و اين خلاف ارتكاز متشرع است. از اول تا به حال ارتكازات در فهم ادله خيلي مهم بوده است به عنوان مثال در نماز جمعه ادله مفيده وجوب عيني نماز جمعه تقريباً تمام است يعني براي كسي كه واجد شرايط باشد واجب است به خصوص جايي كه اقامه شود اما يك نكته بسيار مهم كه جلوي وجوب را می‌گیرد اين است كه هر واجد شرايطي در هر جايي برايش واجب عيني بوده كه در نماز جمعه شركت كند كه اين با ارتكاز متشرع سازگار نيست و اگر اين امر سنت و سيره بود بايد خيلي واضح‌تر گفته می‌شد و در اذهان جا افتاده شده باشد و چيزهايي كه گفته‌شده تأكيد بسيار زياد براي شركت در نماز جمعه است يعني اين برخورد فضاي ارتكازي متشرع و آن چه كه در تاريخ در جريان بوده است در برابر مسئله‌اي كه واجب مؤكد عيني اين چنيني بوده، نمی‌تواند باشد كه البته اين يك دليل محكم نيست كه بنده خودم همه آن را قبول داشته باشم. اگر حولين كاملين واجب بود بايد بيشتر از اين ها در اذهان جا مي‌افتاد در حالي كه اجماعي است.

### تعليق الحكم علي اراده المكلف

نكته دوم اين كه **لِمَن اَرادَ اَن يُتِمَّ الرَّضاعه** حكم الزامي به اراده و اختيار مخاطب و مكلف محول نمی‌شود مثلاً در بحث مواسات خيلي روايات آمده بود كه در غير از بحث خمس و زكات في أموالهم حقٌ معلوم؛ و مؤمن بايد مواسات داشته باشد و نگذارد فقيري در جامعه باشد و نبايد با ديگران تفاوت داشته باشد اين جا می‌گوید **وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَينْ‏ِ كاَمِلَينْ** كه دلالت بر الزام می‌کند ولي بعد مي‌فرمايد: **لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ** يعني براي كسي كه مي خواهد رضاع را خوب تكميل كند تعليق حكم الزامي به اراده مكلف نمی‌شود يعني خلاف ظاهر عرفي است و تعليق بر اراده مكلف قرينه است بر اين كه آن الزامي نيست و اين يك قاعده است كه **تعليق الحكم علي اراده المكلف قرينهٌ علي عدم کونه الزاميه** كه اين دو قرينه حكم الزامي را از بين مي برد.

### محدوده دلالت آیه

نكته سوم اين است كه اصلاً آيه كاري به اصل رضاع ندارد اين آيه می‌گوید رضاع به اين شكل مستحب مؤكد است و آيه به واجب يا مستحب بودن اصل رضاع توجه نمی‌کند. اين آيه و ساير آيات كه راجع به رضاع در قرآن است مفروضشان اين است كه يك رجحان وجود دارد. **«لا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلاَّ وُسْعَها»**بقره/233يعني كسي كه مي‌خواهد دو سال شير دادن را تمام كند تا جايي كه می‌تواند شير بدهد. اين آيه مي خواهد بگويد كه مستحب است كه رضاع كامل انجام شود البته می‌شود از اين استحباب اصل رضاع را فهميد . در وسائل در ابواب احكام اولاد باب 71 راجع به رضاع رواياتي آمده كه بيش از رجحان و استحباب چيزي از آن ها استفاده نمی‌شود. پس وظيفه مادر رضاع است اما رضاع مستحب است اصل و حولين آن مستحب في المستحب است . بعضي فقها گفته‌اند لباع يعني شير اول واجب است منتها هيچ دليل و روايتي نيست و اين كه گفته‌اند واجب است اين است كه بعضي‌ها می‌گویند شير اول شيري است كه اگر بچه نخورد می‌میرد يا ضرر می‌بیند كه اين گفته‌ها ثابت‌شده نيست بنابراین اصل وظيفه مادر استحباب است و تبصره و استثنايي كه دارد اين است كه جايي كه شير ندادن مادر موجب ضرر بچه شود بايد شير بدهد و الزامي است.

**وظيفه پدر در امر رضاع و تغذيه كودك**

بحث دوم وظيفه پدر است وظيفه پدر اين است كه غذاي متناسب با نوزاد به او برساند و لازم نيست كه حتماً شير مادر را به او بدهد بلكه می‌تواند شير مادرش را به او بدهد و اجرت را به مادر پرداخت كند و يا اينكه اجير بگيرد كه اين وظيفه پدر است كه دليل آن را در جلسه بعدي عرض خواهيم كرد.